

## لزوم رویکرد تربیتی به تعهد اخلاقی در علوم زیستی؛ آموزش اصول اخلاق زیستی را باید از

### مدارس آغاز کرد

عطاله پورعباسی<sup>۱</sup>، میثم توکلی بینا<sup>۲</sup>

#### نامه به سردبیر

دانش‌آموزان ما که امروز در کلاس‌های درس و مدرسه مشغول به تحصیل هستند، پزشکان و دست‌اندرکاران سلامت فردای جامعه‌ی ما خواهند بود. آنچه ایشان در این زمان می‌آموزند ره‌توشه‌ای است که فردا بتوانند با بهره‌گیری از آن راه پر فراز و نشیب یادگیری طب و سلامت را ساده‌تر ببینند. کتاب‌های درسی دبیرستانی را که ورق می‌زنی سراسر مملو از مفاهیم و مطالب علمی و تکنیکی است که دانش‌آموزان ما باید به‌خوبی بیاموزند تا این‌که بتوانند روزی با تکیه بر آن‌ها وارد دانشکده‌های علوم پزشکی شوند.

دانش‌آموزان ما در کتب زیست‌شناسی دبیرستان مطالب عمیقی را پیرامون مباحث چالش‌برانگیز علوم زیستی مانند تولیدمثل، تکامل، علوم اعصاب، دانش سلول‌های بنیادی و ... می‌آموزند. هر یک از این مباحث علاوه بر بار علمی سنگینی که به فراگیران منتقل می‌کند، بار معنوی، اعتقادی و اخلاقی نیز دارند که اگر هم‌زمان با بار علمی به فراگیر منتقل نشود می‌تواند وی را دچار چالش‌های اخلاقی و اعتقادی کند. به خصوص در بافت فرهنگی جامعه‌ی امروز ما که با عدم مهندسی فرهنگی و اخلاقی مواجه است.

توجه به این نکته ضروری است که اخلاق بدون مبانی باوری و شناختی به امری صوری و قانونی مبدل می‌شود که با احساس کم‌ترین فضای خلأ نظارتی مضمحل شده فجایعی

را به بار می‌آورد. کما این‌که تاکنون موارد قابل تأملی در حیطه‌ی علوم تجربی اتفاق افتاده است. لذا بنیان‌سازی برای اخلاق و باورهای شناختی باید لازم و ملزوم شناخته شوند و نیز از آغاز فراگیری علم و فن، مد نظر قرار گیرند. لذا نگاه باوری و متعهدانه به آموزه‌های اصیل دینی یکی از روش‌های نهادینه کردن اخلاق پزشکی به‌شمار می‌رود.

به‌عنوان مثال، ادبیاتی که ممکن است با فراگیری مفاهیم تولیدمثل میان دانش‌آموزان در رده‌ی سنی ۱۵ تا ۱۷ سال حاکم شود، اگر به‌درستی مدیریت نشود عاملی برای فروریختن دیوار رفیع حیا در میان ایشان و انحطاط اخلاق در سطح جامعه می‌گردد یا مفاهیم موجود در حیطه‌ی علوم اعصاب و سلول‌های بنیادی در ظاهر ممکن است دانش‌آموز را دچار تناقضاتی میان آموزه‌های اعتقادی و آموزه‌های علمی کنند که اگر این شبهات و تناقضات به موازات آموزش این مفاهیم رفع نگردد نتیجه‌ی قهری آن کاملاً روشن است.

تبعات آموزش مفاهیم علمی این‌چنین بدون این‌که برای رفع شبهات و مشکلات اخلاقی و اعتقادی که به دنبال آن پیش خواهد آمد فکری شود انتقال نسلی به دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی است که چندان پایه‌های شناختی محکمی نداشته و هم‌چنین اصول اخلاقی مهم در ایشان به گونه‌ای غیر قابل مهار نهادینه شده است. حال چنین نسلی تا

<sup>۱</sup> پژوهشگر، مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، مؤسسه فرهنگی احسان

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری کلام جدید، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، مؤسسه فرهنگی احسان

\* نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بیمارستان شریعتی، مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم، تلفن: ۸۸۲۲۰۰۲۷

چه حد می‌تواند پذیرای آموزش‌های متعالی اخلاق زیستی و اخلاق پزشکی در دانشگاه باشد؟ پاسخ روشن است.

با این مقدمه به منظور انتقال ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی که مکمل مفاهیم علمی موجود در کتب دبیرستانی باشد، مؤلفان این مقاله با نگاهی به مسائل زیستی از یک سو و مفاهیم اخلاقی اعتقادی از سوی دیگر طرح درسی را بر اساس یک نیازسنجی اولیه تدوین کرده و فاز اول آن را به صورت آزمایشی و گزینشی به دانش‌آموزان سال سوم رشته‌ی علوم تجربی یکی از دبیرستان‌های شهر تهران در طول یک نیمسال تحصیلی آموزش دادند. سرفصل‌های این برنامه عبارت بودند از:

- «غرور، آفت باغ کمال». غرور همیشه آفت دانایی است، خصوصاً اگر این دانایی در حیطه‌ای باشد که مورد نیاز جامعه بوده و هر کسی توان احاطه بر آن مفاهیم را نداشته باشد. این فرض بر عموم مفاهیمی که دانش‌آموزان رشته‌ی علوم تجربی در دبیرستان می‌آموزند مترتب است و این مسأله باعث ایجاد حس خود برتری در بین این نوجوانان نسبت به سایر همسالان است. هم‌چنین یکی از مسایل اخلاقی که جامعه‌ی پزشکی به آن مبتلا است همین غرور و تکبر در مقابل بیمار است (۱).

- «حرمت جسم، حرمت جان». از آن‌جا که مخاطب حرفه‌ی پزشکی جسم انسان یا سایر موجودات زنده است، پس از مدتی در برخوردهای حرفه‌ای، جسم اصالت می‌یابد و نتیجه این می‌شود که مثلاً در سالن‌های تشریح دانشکده‌ها بی‌حرمتی‌هایی بسیار به اجساد دیده می‌شود و یا پزشک بدون در نظر گرفتن اصول انسانی، هرگونه معاینه و مداخله‌ای را بر انسان روا می‌دارد. دانش‌آموزان در این سرفصل آموختند که جسم انسان نیز همانند روح او عزیز است و باید احترام آن در برخوردهای حرفه‌ای کاملاً حفظ گردد (۲).

- «مرگ؛ تولدی دوباره». مرگ مفهومی است که نقش بسیاری در آموزه‌های اخلاقی اسلام دارد. در روایات و احادیث بسیاری که به ما رسیده است از یاد مرگ به عنوان

ابزاری مهم در تقویت پرهیزگاری و روح تقوا در انسان استفاده شده است. گاهی در مفاهیم علمی حیطه‌های علوم زیستی، آن‌چنان به مرگ به عنوان یک فرایند طبیعی پرداخته شده و سعی در توجیه مادی و مولکولی آن می‌شود که بزرگی این واقعه در اذهان از بین می‌رود. اگر چنین پدیده‌ای تبدیل به یک فرایند زیستی کاملاً عادی شود بسیاری از آموزه‌های اخلاقی نیز در نظر فراگیران رنگ می‌بازد. در این سرفصل با مروری بر ادبیات دینی، بزرگی مرگ به عنوان یک پدیده‌ی عظیم ماورایی گوشزد شد.

«عقل؛ حجت درون». در آموزه‌های اعتقادی دینی عقل حجت درون انسان است که در همراهی با حجت بیرونی یا همان فرستادگان خداوند انسان را به سوی کمال رهنمون می‌گردد (۳). مباحث عمیقی که در حیطه علوم اعصاب مطرح می‌گردد تا حدودی سعی دارند تا فرایندهای عصبی را شبیه‌سازی کرده و بسیاری از عمل‌کردهای آن را به صورت مولکولی و سلولی توجیه کنند. باز هم چنین نگاه مادی و علمی محض به اعصاب و فرایندهای ذهنی، عقل را نیز تا حد واکنش‌های شیمیایی در نظر نوجوان پایین می‌آورد. نتیجه این که چنین عقلی نمی‌تواند منشأ بسیاری از اصول و مقررات منطقی باشد. و نتیجه‌ی آن از میان رفتن تعهد به مبانی حداقلی اخلاق عقلانی خواهد بود.

- «از ژن تا خدا». مفاهیم علم ژنتیک به مانند شمشیر دو دم در مسائل اعتقادی و اخلاقی عمل می‌کند. از یک سو مشاهده و درک ظرایف آن مستقیم‌ترین مسیر برای شناخت خالق است و از سوی دیگر پیشرفت‌های شگفت‌آور در این حیطه مانند همانندسازی، حیات مصنوعی، روبات‌های زنده و ... ممکن است در ذهن فراگیر، مقام خالق را در آفرینش کم‌رنگ کند. بنابراین، نگاهی به این حیطه از منظر مسائل اعتقادی و انتقال این مفاهیم می‌تواند در تثبیت و تعمیق اعتقادات توحیدی نوجوانان نقش بسزایی داشته باشد.

همان‌گونه که گذشت آموزه‌هایی این‌چنین می‌تواند در اعتدالی محتوای اخلاقی و اعتقادی جامعه‌ی پزشکی فردا

نقشی مؤثر ایفا کند.

امروز نوجوان می‌آموزد که غرور آفتی برای کمال انسان است و فردا با چنین بستری پذیرای کدها و آموزه‌های اخلاق حرفه‌ای خواهد بود. امروز نوجوان می‌آموزد که جسم موجود زنده به اعتبار روح بلند او قابل احترام است و نباید حتی یک خرگوش را بیهوده در کلاس درس و آزمایشگاه آزد و با چنین پایه‌ای فردا می‌پذیرد که جسم بیمار نیز همانند روح او عزیز است و نباید هرطور که می‌خواهی او را به بوته‌ی آزمایش‌های حرفه‌ای خود بیازمایی.

اگر امروز مفاهیمی مانند مرگ و درد در ذهن نوجوان چنان که باید شکل گیرد، فردا در مقام پزشک می‌تواند درک کند که اگر بیماری در اورژانس درد می‌کشد او نباید به آرامی در اتاق دیگری استراحت کند. اگر امروز نوجوان پذیرفت که مکاشفات علمی در حیطه‌ی علوم اعصاب چیزی از عظمت عقل و حجیت آن نمی‌کاهد فردا با تکیه بر همین عقل می‌توان بسیاری از اصول اخلاق حرفه‌ای را به وی منتقل کرد.

نباید فراموش کرد که موضع علوم به‌صورت عام و البته علوم زیستی به‌طور خاص نسبت به آموزه‌های عقلانی، اخلاق و دین لا بشرط است. یعنی هم می‌تواند با نگاه منطقی هم‌سو با تعهدات اخلاقی و هم می‌تواند در تضاد با آن قرار گیرد (۴). آن چه تاکنون توجه کافی بدان نشده نگاه تربیتی در همراه کردن این دو آموزه یعنی تعهد اخلاقی-دینی و علم طب است تا در پرتو آن سلامت جامعه به معنای متعالی آن تأمین گردد. کوتاهی در این زمینه به‌خصوص با شرایط ویژه‌ی فرهنگی کشور که زمینه‌ی تفسیرهای شخصی ضد ارزشی و باوری نزد جوانان فراهم است، می‌تواند ضایعات جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. به تعبیر دیگر، علم‌آموزی محض بیش از آن‌که حالت بی‌تفاوتی داشته باشد، با شرایط فرهنگی خاص جوامع شرقی ناخودآگاه به سمت پرتگاه هدایت می‌گردد و لذا بر ماست که دست به کار روش‌های هدفمند و عقلانی در ترمیم این نقیصه شویم.

آموزش این مفاهیم در دوران نوجوانی و در مدارس بسیار

ماندگارتر از سنین بالاتر بوده و همان‌گونه که فرموده‌اند به‌سان حکاک‌ی روی سنگ در ذهن نوجوان شکل می‌گیرد و از سوی دیگر بستر و پایه‌ای خواهد بود تا آموزه‌های اخلاق پزشکی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها راحت‌تر و مؤثرتر منتقل گردد.

سایر سرفصل‌های آموزشی نیز بر اساس مفاهیم علمی و همچنین نیازهای آموزشی دانش‌آموزان و دانشجویان در این حیطه طراحی شده و در سال‌های تحصیلی آینده به دانش‌آموزان ارائه خواهد شد. البته نیازسنجی حرفه‌ای و دقیق‌تر و نیز طراحی مباحث مذکور برای سطوح دانشگاهی نیز می‌تواند از افق‌های این طرح کلان باشد و حتی می‌تواند در افق آن طراحی یک میان رشته را نیز در نظر آورد. اما تأکید بر سن رشد و سن پایه‌ی فراگیری یعنی دبیرستان از آن روست که باید به اصلاح نهادهای اخلاقی جامعه پزشکی رویکردی بیش‌تر تربیتی داشت تا رویکرد علمی و آگاهی‌بخش. خانه را باید از پای بست آباد کرد.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که رویکردی این‌چنینی به مقوله‌ی آموزش اخلاق زیستی برای دانش‌آموزان، رویکردی نوین و خلاقانه است و سرفصل‌های انتخابی برای ارائه‌ی آموزش‌ها براساس نیازسنجی‌های صورت گرفته تدوین گردیده است. از سوی دیگر، با توجه به تأکید این رویکرد بر اصول اخلاقی اسلامی، مؤلفان محتوای آموزشی مشابهی را در سرفصل‌های آموزشی سایر کشورها نیافتند. هرچند تلاش‌هایی در راستای آموزش اخلاق زیستی به دانش‌آموزان در برخی کشورها مانند چین، ژاپن، فیلیپین و هند متناسب با فرهنگ این کشورها صورت پذیرفته است (۵).

نوآوری در این رویکرد فرصتی است تا پس از ارزیابی اثربخشی آموزشی و اعمال اصلاحات، آن را به‌عنوان یک برنامه‌ی درسی بومی با قابلیت انتشار جهانی حداقل در کشورهای اسلامی منتشر کرد.

## منابع

- دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۶۵، جلد اول، ص ۱۵.
- ۱- ثقة الاسلام کلینی. اصول کافی، چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۶۵، جلد دوم، ص ۳۲۸-۳۰۹.
- ۲- لاریجانی ب. پزشک و ملاحظات اخلاقی. تهران: برای فردا؛ جلد اول، ۱۳۸۳.
- ۳- ثقة الاسلام کلینی. اصول کافی، چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه؛ ۱۳۶۵، جلد اول، ص ۱۵.
- ۴- باربور ا. علم و دین. ترجمه ی خرمشاهی ب. تهران: مرکز نشر دانشگاهی؛ ۱۳۶۲.
- 5- Macer D. Bioethics education for informed citizens across cultures. *Sch Sci Rev* 2004; 86(315): 83-6.